

## از گوشه و کنار

اسماعیل حدادیان مقدم

haddadiyan@i8group.net

www.translatornotes.blogspot.com

### اخبار ترجمه

#### دن آرام به بازار کتاب می آید

رمان مشهور میخائیل شولوخوف (دن آرام)، نویسنده مشهور روسی به زودی با ترجمه زنده یاد احمد شاملو به بازار کتاب خواهد آمد. مدیر انتشارات مازیار با اعلام این خبر افزود: "این ترجمه در زمان حیات مرحوم شاملو آماده انتشار بود اما آقای شاملو به علت حساسیت روی ترجمه، آن را برای آخرین بار می خواستند ببینند که در همان روزها فوت کردند." قرار است این رمان در دو جلد ۱۰۰۰ صفحه‌ای در اواخر شهریور منتشر شود. اولین بار م. به آذین این رمان را ترجمه کرده بود.

#### فریده مهدوی دامغانی جایزه گرفت

جایزه بین‌المللی ترجمه دیه گووالری (برای مترجم خارجی) در بخش جوایز بین‌المللی ترجمه منسلجیه به دلیل ترجمه فارسی کتاب کم‌دی الهی اثر دانتیه به فریده مهدوی دامغانی تعلق گرفت. این جایزه به بهترین مترجم متنی کلاسیک و ادبی اهدا می‌شود که اثر مهمی از ادبیات ایتالیا را به زبان مادری خود ترجمه کرده باشد. یکی از اعضای هیأت داوران درباره علت این انتخاب می‌گوید: "آنچه بیش از همه توجه اعضای هیأت داوران را به خود جلب کرده است، حضور اشعار ایتالیایی در آثار ترجمه شده این مترجم است." این مترجم اخیراً نیز ترجمه‌ای به زبان فرانسه از کتاب صحیفه سجاده منتشر کرده است.

#### رضا قیصریه هم جایزه گرفت

رضا قیصریه در میان نامزدهای ۵۰ کشور توانست جایزه وزارت فرهنگ ایتالیا را از آن خود کند. این جایزه را ریاست جمهور ایتالیا در روز ۲۲ اردیبهشت سال جاری به این مترجم تقدیم کرد.

#### ۲۳ درصد کتابهای سال ۱۳۸۱ ترجمه بود

به گزارش روابط عمومی خانه کتاب و براساس آمار موجود در بانک اطلاعاتی این مؤسسه تا پایان

فروردین ۱۳۸۲ کتابهای منتشر شده در سال ۱۳۸۱ (۳۰۸۸۵) ۱۲ درصد رشد (۳۴۵۶۰) نشان می‌دهد. از این تعداد ۷۷ درصد (۲۶۶۳۱) عنوان تألیف و ۲۳ درصد (۷۹۲۹) ترجمه است. در این سال بیشترین کتابهای ترجمه شده با ۱۶۷۴ عنوان با موضوع علوم عملی منتشر شده است و پس از آن موضوعات ادبیات (۱۶۴۶)، دین (۱۳۳۲) و علوم اجتماعی (۸۵۰)، علوم طبیعی و ریاضیات (۶۱۲)، فلسفه (۵۵۰)، هنر (۵۱۳)، کلیات (۳۷۷)، تاریخ و جغرافیا (۲۴۰) و زبان (۱۳۵) با عنوان قرار دارد.

### از زبان مترجمان

#### محمد رضا شفیعی کدکنی: چرا کسی برای ترجمه اشعار فارسی معاصر تره هم خرد نمی‌کند؟

در شماره یازدهم نشریه هستی مقاله‌ای با عنوان در ترجمه‌ناپذیری شعر منتشر شده است که در آن نویسنده با مروری بر تاریخچه نظرات صاحب‌نظران درباره ترجمه شعر، با استناد به آرای جاحظ درباره محال بودن ترجمه شعر می‌نویسد: "اگر بپذیریم که شعر هنر زبان است و نوعی معماری کلام، وقتی به ترجمه یک شعر می‌پردازیم مثل این است که یک اثر معماری را از جایی که دارد برمی‌داریم و به جایی دیگر انتقال می‌دهیم." ایشان در ادامه چنین می‌گوید: "اگر این خانه‌ای که خرابش می‌کنیم تا اجزای آن را به جای دیگر ببریم و در آنجا آن را بازسازی کنیم، خانه‌ای معمولی باشد، هر بنا و سرعمله‌ای می‌تواند (با مختصر کاهش و افزایش در زیبایی آن) آن را دوباره در محل جدید، بازسازی کند... اما اگر شاهکاری از شاهکارهای معماری باشد... انتقال اجزای آن به جای دیگر، کار آسانی خواهد بود... اما دوباره‌سازی آن، کار هر بنا و عمله‌ای نخواهد بود." دکتر کدکنی در بخشی دیگر از مقاله خود به بحث درباره ترجمه‌های منتشر شده از شاعران ایرانی معاصر در مطبوعات می‌پردازد و "نبود مترجمان خلاق و معماران هنرمند" را علت آن می‌داند تا این‌گونه شعرها، در ترجمه "دلی از فرنگی جماعت" نبرد و "اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها و آمریکایی‌ها برای ترجمه شعر فارسی معاصر (مثلاً ترجمه شعرهای شاملو، نیما، و اخوان و...) تره هم خرد" نکنند.

#### مهدی سحایی: در اثبات ترجمه‌پذیری پروست چهار هزار و اندی صفحه نوشته‌ام

این مترجم گفت‌وگویی مفصل با همشهری، (۱۳۸۱/۸/۲۵) درباره آثار ترجمه شده خود انجام داده و در بخشی از این گفت‌وگو درباره انگیزه خود از ترجمه می‌گوید: "در مورد من جریانها و انگیزه‌های سیاسی و... دلیلی بر انتخاب کتاب نیستند. من با یک نگاه عام‌تر و شاید غریزی‌تر کتابهایم را براساس نقطه نظرهای درونی خود انتخاب می‌کنم و هیچ کنش، اهرم و یا جو سیاسی نمی‌تواند انگیزه ترجمه کتابی برای من باشد." مترجم در جستجوی زمان از دست رفته درباره دلیل خود از ترجمه این کتاب چنین اظهار نظر می‌کند: "من باید بگویم که تحت تأثیر اسطوره پروست نبوده‌ام و خواه‌ناخواه بعد از دوره‌ای

علاقه داشتیم کار مهمی را ترجمه کنیم... در واقع این کتاب را به دو دلیل ترجمه کردم: یکی جای خالی و دیگر آمادگی خود من... در آن دوره شوخی خاصی درباره ترجمه این کتاب داشتم که فکر می‌کنم درست باشد. از فاتح اورست پرسیدند چرا این کوه را فتح کردی گفت: اورست بود ما هم از آن بالا رفتیم، واقعیت در مورد پروست هم همین است. کتابی بود که می‌شد ترجمه کرد و من هم کردم... من در اثبات ترجمه‌پذیری پروست چهار هزار و اندی صفحه نوشته‌ام! دوستان مدعی لطف کنند دو سه صفحه‌ای در اثبات فرمایششان بنویسند." در ضمن جدیدترین ترجمه این مترجم مونته دیدیو، کوه خدا نام دارد که اخیراً در نشر مرکز منتشر شد.

### حسن لاهوتی: باید هیأت علمی مترجم در دانشگاه‌ها به وجود آید

این مترجم و استاد دانشگاه در گفت‌وگویی با ایسنا از ورود ساختارهای جدید از راه ترجمه به زبان فارسی ابراز نگرانی کرده و می‌گوید: "مترجم بدون آنکه توجه کنند تحت تأثیر زبان مبدأ ساختارهایی به وجود می‌آورند که شکل کلمات فارسی هستند ولی قالب ترکیبات و ساختارها انگلیسی است." ایشان در ادامه با ضعیف ارزیابی کردن کار فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در زمینه واژه‌یابی و معادل‌سازی، عملکرد کند و دستوری این فرهنگستان را از دلایل رواج و گسترش نیافتن واژگان ساخته شده در میان عامه مردم عنوان می‌کند. مترجم کتاب و محمد پیامبر توست در بخشی دیگر از این گفتگو با ستایش از مقام علمی دانشمندانی که در این فرهنگستان وجود دارند می‌افزاید: "با چند کنفرانس و چند سمینار نمی‌توان فارسی را پاس داشت. فرهنگستان باید روح مردمی پیدا کند و با نویسندگان، مؤلفان و مترجمان ارتباط برقرار کند وگرنه ساختمانی است مجلل و پر از افراد بسیار دانشمند که حاصل کارش هیچ است." لاهوتی در پایان گفت‌وگوی خود پیشنهاد می‌کند تا در دانشگاه‌ها، هیأت علمی مترجم به وجود آید و علاوه بر آن، رشته ترجمه در سطح کارشناسی حذف شود و دانشجویان بعد از انتخاب و گذراندن رشته مورد علاقه خود، در کارشناسی ارشد، گرایش ترجمه را در زمینه رشته تحصیلی خود انتخاب کنند.

### مهستی بحرینی: من الان وحشت دارم سراغ هر کتابی بروم

مترجم آثاری چون کوهسار جان و مائده‌های زمینی در گفت‌وگویی با همشهری (۸۲/۱/۳۰) در پاسخ به این سؤال که چرا رمان نو ترجمه نکرده است می‌گوید: "من الان وحشت دارم سراغ هر کتابی بروم برای اینکه رقابتی خاص به وجود آمده که آدم نمی‌داند چه کتابی را شروع کند که دیگران در حال ترجمه آن نیستند. من خیلی دوست داشتم رمان نو ترجمه کنم، اتفاقاً پاک‌کن‌ها را هم دست گرفتم، اما به من گفتند ترجمه شده در حالی که بعد از چند سال آقای شهدی در این اواخر کتاب را چاپ کرد. در واقع اطلاعات افواهی موجب شد فکر کنم این اثر ترجمه شده است." این مترجم که اخیراً ترجمه چهارمی از

کتاب مانده‌های زمینی، آندره ژید منتشر کرده در توضیح دلیل خود از ترجمه این اثر می‌گوید: "تأکید آقای کریمی (مدیر انتشارات نیلوفر) باعث این ترجمه شد. البته ترجمه‌های قبلی بالخصوص ترجمه مرحوم آل احمد مشکلاتی داشت که البته می‌شد از آنها گذشت... من نظرم این بود که شاید جوانهای امروزی آن چنان علاقه‌ای به آندره ژید نداشته باشند. اما نظر ناشر این نبود."

### خشایار دیهیمی: سعی کرده‌ام در زمینهای بایر و شخم نزده بدوم

این مترجم و ویراستار در گفت‌وگویی با کتاب هفته (۱۲۰) ضمن صحبت درباره ترجمه کتاب فلسفه امروزین علوم اجتماعی، در پاسخ به این سؤال که چرا گفته می‌شود وقتی شما کاری را آغاز می‌کنید با قدرت و شایستگی کامل کار را پیش می‌برید ولی ناگهان کار متوقف می‌شود می‌گوید: "باید بگویم که قصه من قصه یک سرو و هزار سوداست... پروژه‌های من در حدی ناقص نمانده‌اند که پاسخگوی اهداف اولیه نباشند... من سعی کرده‌ام که در زمینهای بایر و زمینهای شخم نزده بدوم و یک کاری را شروع کنم با این امید که دیگرانی پی آن را خواهند گفت." ایشان در پاسخ به این سؤال که کدام یک از کتابها و یا پروژه‌های شما از همه مهمتر بوده می‌گوید: "... من چون در وهله اول ادبیات برایم مهم است، کتابهایی که از نی. اچ. کار ترجمه کرده‌ام یا کارهای گوگول و کوستلر نوعی علقه عاطفی نسبت به آنها دارم. بنابراین به کتابهای ادبی بیشتر از همه علاقه دارم، ولی خوب بعضی از کارهایم مثل پروژه نسل قلم پنج سال همه وقتم را به خود اختصاص داد و از همه جانم مایه گذاشتم. برای همین هم تبدیل به بخشی از زندگی ام شد. اینها همه برایم خاطره است. ما با همین سوداها زنده هستیم."

### پیام یزدانجو: دیگر نمی‌خواهم عمده فرهنگ باشم

این مترجم جوان کشورمان که تاکنون ۱۶ کتاب عمدتاً در حوزه‌های فلسفه ادبیات، نقد و نظریه ادبی و ادبیات پست مدرن ترجمه کرده است، گفت‌گویی با کتاب هفته (۱۲۸) انجام داده و در پاسخ به این سؤال که چگونه در فاصله‌ای اندک توانسته ۱۶ کتاب ترجمه کند چنین پاسخ می‌دهد: "رک و راست بگویم، به نظر خودم هم کار کردن به این صورت و در این حجم یک نوع بیماری است. بدون تعارف می‌گویم در شرایط عادی نباید این حجم کار ترجمه منتشر می‌شد. ولی یک بخش این تلاش مربوط به اشتیاق من به آموختن بود. یک بخشی هم به این بر می‌گردد که سعی کرده‌ام در حین ترجمه بیندیشم." وی در بخشی دیگر از این گفت‌وگو به سرخوردگی خود از کاری که در ترجمه آثار پست مدرن انجام داده اشاره می‌کند و می‌گوید: "احساس می‌کنم آن چیزی که من دنبالش بودم اتفاق نیفتاده، هرچند این توهم را نداشتم که با انتشار این آثار، اتفاق عجیبی خواهد افتاد، در حد خودش انتظار داشتم تأثیری در میان مخاطبان بگذارد. ولی نه، مایوس شدم... احساس می‌کنم در این سالها عمده فرهنگ بوده‌ام. واقعاً در این چهار سال که مشغول ترجمه این آثار بودم زندگی نکرده‌ام. کسی که با این حجم کار می‌کند و دائماً ذهنش

درگیر یکسری واژه‌ها و مفاهیم است، البته انتظار معجزه ندارد، اما انتظار بازتاب چرا. وقتی کششی در جامعه نیست و بازتابی هم نیست، چه لزومی دارد که این ترجمه‌ها منتشر شود."

### مژده دقیقی: داستانهای هلمز از تأثیرگذارترین آثار این چند سال اخیر بوده است

این مترجم که اخیراً ترجمه‌هایی چون وقتی یتیم بودیم و مشقت‌های عشق از او منتشر شده است در گفت‌وگویی با همشهری (۸۱/۱۲/۲) شرکت کرده و درباره معیار و روش خود در ترجمه می‌گوید: "البته معیارهای آن چنان مشخصی برای ترجمه وجود ندارد. خود من وقتی کارم را شروع کردم بسیار وسواسی و وفادار به متن بودم و مثل هر مترجم ناشی دیگری به متن چسبیده بودم. نمی‌گویم الان به متن چسبیده نیستم، اما به خودم آزادی‌های بیشتری می‌دهم... خود روح ترجمه بسیاری از چیزها را به مترجم می‌دهد، بنابراین معیارهای او در طول کار عوض می‌شود و زبانش روزبه‌روز و کاربه‌کار پخته‌تر می‌شود." وی در بخش دیگر درباره ترجمه‌های خود از آثار دوئل اشاره می‌کند و در توضیح دلیل ترجمه آنها می‌گوید: "یکی از مهمترین دلایلی که موجب ترجمه آثار دوئل شد احساس نیاز مخاطب بود. من اصلاً به این نگاه که مخاطبان داستان باید روشنفکرها باشند اعتقاد ندارم. بازتاب آثار هلمز به نحوی بود که فکر می‌کنم یکی از تأثیرگذارترین آثار این چند سال اخیر بوده است."

### به جهت انبساط خاطر

#### ژاپنی‌ها مترجم زبان گربه اختراع می‌کنند

یک شرکت ژاپنی اقدام به طراحی و ساخت مترجم الکترونیکی زبان گربه کرده است. پیش از این ۳۰۰ هزار وسیله اختراعی این شرکت که زبان سگها را ترجمه می‌کند به فروش رفته است. در این ماشین کامپیوتری انواع واقواق سگها به زبان انسان ترجمه و بر روی صفحه مونیور کوچکی که در دست صاحب آن است نوشته می‌شود. این شرکت همین دستگاه را برای گربه‌های خانگی طراحی می‌کند. این مترجم الکترونیکی احساسات حیوان را در قالب واژه‌ها و عبارات به صاحب آن نشان می‌دهد. این وسیله الکترونیکی به اندازه پنجه گربه و دارای صفحه نمایشی است که با نگه داشتن آن در مجاور صورت حیوان می‌توان منظور آن را از میومیو و خرخر کردن با توجه به نوشته‌هایی که روی صفحه نمایش دستگاه ظاهر می‌شود فهمید. سایت خبری آنانوا قیمت این ماشین ترجمه را ۴۵ یوند عنوان کرده است که نسبت به ماشین ترجمه زبان سگها که ۷۵ دلار است بسیار ارزان‌تر می‌باشد. با چنین اختراعی حیوانات به راحتی خواسته خود را به ما خواهند گفت.

#### بیشتر نزدیک به همه مترجمان ما افرادی فاقد باورهای مذهبی بوده‌اند!

در شماره ۶۱ ماهنامه ادبیات داستانی که مدتی است با یک شورای سردبیری جدید منتشر می‌شود،

مقاله‌ای با عنوان دریچه‌ای به خانه همسایه به قلم رضا رهگذر منتشر شده است. وی در این مقاله قصد نقد کتاب رندا (بیست داستان از بیست نویسنده معاصر سوریه) به ترجمه عبدالحمید آیتی را داشته اما از آنجا که هر قلم به دستی این روزها خود را صاحب نظر درباره ترجمه می‌داند چنین اظهار داشته است "در عرصه ترجمه ادبیات ترجمه در ایران، متأسفانه عمدتاً جریانی یکسویه و از خارج آن هم عمدتاً از غرب به داخل بوده است. بیشتر نزدیک به همه مترجمان ما هم افرادی فاقد بارورهای مذهبی - حتی بسیاری از آنها ضداسلامی - و غریزه یا دست کم متمایل به غرب بوده‌اند..." از آقای رهگذر که با گفتن این سخن نغز کمیاب، ارواح مترجمان در گور و در ممات را شاد کرده‌اند و سبب انبساط خاطر ما شدند تشکر می‌کنیم!

### ترجمه و مترجم در مطبوعات (آذر ۸۱ تا خرداد ۸۲)

- امروز با فریدون بدره‌ای، ایران، ۸۱/۸/۱

- امروز با عباس مخبر، ایران، ۸۱/۱/۶

- نبرد تن به تن با کلمات: گفت‌وگو با سروش حبیبی، همشهری، ۱۸ و ۱۹/۸/۱۳۸۱.

- نهضت ترجمه؛ نتایج و پیامدهای آن، بررسی تاریخ ترجمه در دوره اول خلافت عباسیان، فاطمه جان احمدی، تاریخ اسلام، ۴(۱).

- مردی که می‌خندد: گفت‌وگو با مهدی سبحانی، همشهری، ۱۸ و ۱۹/۸/۸۱

- پاسداری از زبان فارسی با سمینار و کنفرانس؟ هشدرهای یک مترجم و استاد دانشگاه (حسن لاهوتی)، انتخاب، ۳/۹/۸۱

- امروز با گلی امامی، ایران، ۱۷/۹/۸۱

- به بیراهه نرفته‌ام، گفت‌وگو با اسدالله امرایی، ایران، ۲۱/۹/۸۱

- محمد حسین آریا: ارتقای دید تاریخی هدف ترجمه‌های من است: کتاب هفته، ۴۵۷.

- هنر مترجم در یافت جنس زبان و احساس نویسنده است: ساسان تبسمی، مترجم، اعتماد، ۲۱/۹/۸۱

- کانون ترجمه اروپا: ترجمه محمدعلی مختاری، بایا، ۱۳ و ۱۴.

- ستارگان روشن ادبیات ترجمه، اعتماد، ۱/۱۰/۸۱

- فرزانه طاهری: با ورثه ناباکوف وارد مذاکره شده‌ام، اعتماد، ۱/۱۰/۸۱

- لیلی گلستان، مترجم: ترجمه هنر نیست، اعتماد، ۱/۱۰/۸۱

- مسؤول این آشفته‌بازار کیست: ترجمه یک اثر در ایران یعنی بدشانسی نویسنده‌انش، حسین سنابور،

حیات نو، ۴/۱۰/۸۱

- امروز با مهدی افشار، ایران، ۵/۱۰/۸۱

- ترجمه، هر منوتیک و بازآفرینی متن، حبیب نبوی، همشهری، ۱۶ و ۸۱/۱۰/۱۷
- مترجمان و رهبری ادبی، عباس پژمان، همشهری، ۸۱/۱۰/۲۱
- ناگهان پیر شدم: ترجمه و ادبیات در گفت‌وگو با رضا سیدحسینی، همشهری، ۸۱/۱۰/۲۱
- کم‌دی در هر دوره تعریف خاص خود را داشت: گفت‌وگو با رضا شیرمرز (مترجم)، آفتاب یزد، ۸۱/۱۰/۲۵
- ترجمه در ایران با بحران روبرو است، احیاء، ۱.
- امروز با خجسته کیهان، ایران، ۸۱/۱۱/۱۰
- کالبدشکافی تمام کلمات: گفت‌وگو با امیر جلال‌الدین اعلم، مترجم، همشهری، ۸۱/۱۱/۱۲
- کارگاه ترجمه و ویرایش نقدی بر یک ترجمه: شهرام اقبال‌زاده، کتاب ماه (کودک و نوجوان)، ۶۱
- هر کجا بود، دلش جای دیگر بود، گفت‌وگو با رقیه بهزادی، کتاب هفته، ۴۷۳.
- چالش‌های فراگیری زبان و ترجمه هم‌زمان در گفت‌وگو با دکتر عبدالجواد رضوانی، همشهری، ۸۱/۱۱/۱۴
- امروز با جواد سیداشرف، ایران، ۸۱/۱۱/۲۰
- نظام آموزشی ما "شبکه‌ای-لیوانی" است: گفت‌وگو با خشایار دیهیمی. اعتماد، ۸۱/۱۱/۲۰
- ترجمه و تأثیر آن در تجلی فرهنگ و تمدن اسلامی، نورالله کسایی، اطلاعات، ۸۱/۱۱/۲۸
- زخم بر تن سپیده: گفت‌گویی با احمد پوری، مترجم شعر، همشهری، ۸۱/۱۱/۲۸
- تردیدی به نام نوشتن: گپی با مژده دقیقی، همشهری، ۸۱/۱۲/۳
- ترجمه آفرینشی دوباره: تأملی در باب ترجمه آثار ادبی، ابوالفضل منافی، جوان، ۸۱/۱۲/۳
- زخم بر تن سپیده، گفت‌وگو با احمد پوری، بخش دوم، همشهری، ۸۱/۱۲/۵
- تأثیر درجه شکندگی و تغییرپذیری اصطلاحات در ترجمه، علی میرعمادی، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، ۳۶.
- در ترجمه‌ناپذیری شعر، محمدرضا شفیعی کدکنی، هستی، ۱۱.
- گفت‌وگو با موسی بیدج درباره انقلاب و فراز و فرودهای ترجمه در ایران، نسیم صبا، ۸۱/۱۲/۱۴
- شما مترجم زبان انگلیسی نیستید؟ گزارشی از وضع آشفته آموزش مترجمی زبان انگلیسی، اعتماد، ۸۱/۱۲/۱۷
- کم‌دی الاغ: با رضا شیرمرز، مترجم کم‌دی‌های یونان و روم باستان، همشهری، ۸۱/۱۲/۵
- بیت‌الحکمه و دارالترجمه، کامران فانی، اطلاعات، ۸۱/۱۲/۲۵
- امروز با کیومرث پارسای، ایران، ۸۲/۱/۱۷
- امروز با امیر هوشنگ دانایی، ایران، ۸۲/۱/۱۹
- امروز با خسرو سمیعی، ایران، ۸۱/۱/۲۱

۱۰۲ مترجم، شماره ۳۷، پاییز و زمستان ۸۱

- امروز با عباس منوچهری، ایران، ۸۲/۱/۲۴

- امروز با کاوه میرعباسی، ایران، ۸۲/۱/۲۶

- تصویر یک زن در میان کلمات: گفت‌وگو با مهستی بحرینی، همشهری، ۸۲/۱/۳۰

- وقتی رؤیاها پایان می‌یابد، گفت‌وگو با پرتو اشراق، همشهری، ۸۲/۱/۳۰

- پهلوان ما هم رفت؛ چند برگ خاطره به مناسبت خاموشی زنده‌یاد منصور گودرزی، جامعه‌شناس و مترجم معاصر؛ حمید کریم‌خانی، چیستا، ۱۹۷ و ۱۹۶.

- کارگاه ترجمه و ویرایش، شهرام اقبال‌زاده. کتاب ماه (کودک و نوجوان)، ۲۴.

- هزارویک شب و دنیای غرب [پیرامون ترجمه‌های مختلف کتاب هزارویک شب]، رابرت ایروین، مترجم، فریدون بدره‌ای. کتاب ماه (ادبیات و فلسفه)، ۶۳.

- کتاب به کتاب در تعقیب یوسا و فوئنتس: گفت‌وگو با عبدا... کوثری، مترجم و شاعر، آسیا، ۸۲/۲/۱۸

- نوشتن در کنار پاهای او: گفت‌وگو با لیلی گستان [مترجم]، مهدی یزدانی خرم، همشهری، ۸۲/۲/۶۸

- متولد و نیز هستم، عاشق ادبیات مشرق: گفت‌وگو اینترنتی با آنا وانزان، مترجم و محقق ادبیات ایرانیا [ایرانیان]. کتاب هفته، ۴۹۰.

- ترجمه، بازآفرینی ادبیات است: گفت‌وگو با خجسته کیهان نویسنده و مترجم، جوان، ۸۲/۲/۸

- امروز با منیره توکلی، ایران، ۸۲/۲/۹

- امروز با علیرضا سیف‌الدینی، ایران، ۸۲/۲/۹

- کم‌دی ایرانی: گفت‌وگو با رضا شیرمرز نمایشنامه‌نویس و مترجم، جامعه نو، ۱۳.

- تأثیر ادبیات غرب بر ما اتفاق فرخنده‌ای است: سخنرانی فتحا... بی‌نیاز درباره تأثیر ترجمه بر ادبیات امروز در مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدنها، همبستگی، ۸۲/۲/۱۶

- جامعه ادبی به مطبوعات بدهکار است: گفت‌وگو با اسدا... امرایی [درباره ترجمه]. جوان، ۸۲/۲/۱۸

- از تونل و آفتاب تا گیل‌اس‌های هاردانگر: گزارشی از دیدار و گفت‌وگو با مترجم نروژی بوف کور [یوحسین یرداوکر]. بیژن شیبانی، عصر پنجشنبه، ۵۶ و ۵۵.

- دخالت در متن اگر از شاملو باشد ایرادی ندارد: گفت‌وگو با مهدی غبرایی درباره معضلات ترجمه. یزدان سلحشور، ایران، ۸۲/۲/۲۲

- ترجمه، نیازمند نگاه درونی مترجم است: آسیب‌شناسی ترجمه متون ادبی، جوان، ۸۲/۲/۲۷

این مترجمان دیگر در میان ما نیستند

عبدالکریم قریب (۱۳۰۱-۱۳۸۱)

برخی آثار: رازهای درون زمین (۱۳۴۹)، ۵۷ درس برای تقویت حافظه (۱۳۶۱).



## این مترجمان دیگر در میان ما نیستند

عبدالکریم قریب (۱۳۵۱-۱۳۸۱)

برخی آثار: رازهای درون زمین (۱۳۴۹)، ۵۷ درس برای تقویت حافظه (۱۳۶۱).

حسین ابوترایان (۱۳۲۱-۱۳۸۱)

برخی آثار: شترها باید بروند، مأموریت آمریکایی‌ها در ایران، خاطرات لیدی شیل.

دکتر حسین عظیمی (۱۳۲۷-۱۳۸۲)

برخی آثار: تورم (۱۳۶۲)، سیاست اجتماعی در کشورهای در حال توسعه (۱۳۶۸).

مترجم بررسی می‌کند

گزارش ویژه مترجم در شماره آینده

ترجمه، مترجم و کپی‌رایت

ایران از جمله کشورهایی است که در پی پیوستن به سازمان تجارت جهانی است درحالی‌که قرارداد بین‌المللی حق نشر را امضا نکرده است. قبول این قرارداد چه تبعاتی برای وضعیت فعلی ترجمه و مترجمان خواهد داشت. آیا به گمان برخی با این کار فاتحه ترجمه در ایران خوانده خواهد شد و یا اوضاع بهتر از این خواهد شد. علاقه‌مندان می‌توانند نظریات و یا مقالات خود را حداکثر در ۴ صفحه تا پایان بهمن ماه به نشانی مترجم ارسال دارند.

تصحیح

در شماره قبل، ص ۱۱۸، خط ۶، جوپا؛ و ص ۱۲۰، خط ۱۳، سجایی درست است.

درد عشق

زهر هجری چشیده‌ام که می‌پرس  
 دلبری بر گزیده‌ام که می‌پرس  
 می‌رود آب دیده‌ام که می‌پرس  
 سخنانی شنیده‌ام که می‌پرس  
 لب لعلی گزیده‌ام که می‌پرس  
 رنجهایی کشیده‌ام که می‌پرس  
 به مقامی رسیده‌ام که می‌پرس  
 حافظ

درد عشقی کشیده‌ام که می‌پرس  
 گشته‌ام در جهان و آخر کار  
 آنچنان در هوای خاک درش  
 من بگوش خود از دهانت دوش  
 سوی من لب چه می‌گزی که مگو  
 بی‌تو در کلبه‌گدائی خویش  
 همچو حافظ غریب در ره عشق

O love, how have I felt thy pain!

Ask me not how —

O absence, how I drank thy bane!

Ask me not how —

In quest, throughout the world I err'd,  
 And whom, at last, have I prefer'd?

O ask not whom —

In hope her threshold's dust to spy,  
 How streamed down my longing eye!

O ask not how —

Why bite my friends their lips, displeas'd?

Know they what ruby lip I seiz'd?

O ask not when —

But yester-night, this very ear  
 Such language from her mouth did hear —

O ask not what —

Like Hafiz, in love's mazy round,  
 My feet, at length, their goal have found,

O ask not where.